

فصل اول :

مقدمه

وکلیات طرح تحقیق

فصل اول: مفاهیم مقدماتی

۱.۱. مقدمه

و خداوند انسان را آفرید، به او آگاهی و شعور بخشید و برترین امانت خویش را به او سپرد، امانتی که زمین و آسمان از پذیرش آن امتناع کرده بودند. این گونه بود که انسان مختار شد تا در محدوده اندک عمرش از صحاری شقاوت تا آسمان سعادت گزینش کند و در فاصله جبری حیات و ممات به حق ثابت کند که اشرف مخلوقات است.

هنوز دیری نپاییده بود که برخی از این ناطقان مختار، سر به عصیان برداشته و دست به شورش زدند و همه چیز را منکر شدند، حتی خدا را، و خدا در موضع بازپرسی و پرسش و پاسخ و داوری، هرگز حق «دفاع» را از انسان سلب نکرد و به وی رخصت آن داد که در مقام مواخذه از خود و اعمالش به دفاع برخیزد و این برترین موهبتی است که از ناحیه جبروت الهی به انسان ناسوتی هدیه شده است تا بتواند از کار، روش و منش‌اش با دلیل و استدلال به دفاع برخیزد.

پس دفاع حقی است طبیعی که از ناحیه خالق برای مخلوق به رسمیت شناخته شده است. از این رو هیچ مخلوقی نمی‌تواند حقی را که خداوند برای انسان در نظر گرفته، از همنوع خویش دریغ ورزیده و آن را سلب یا محدود نماید.^۱

۲.۱. طرح مسأله

افراد با زندگی در اجتماع قسمت عمده حقوق و آزادی‌های خویش را از دست داده و توافق می‌کنند

^۱ دادخواه، سید محمد علی، روزنامه یاس، نوپنج شنبه ۱۹ تیر ماه ۸۲

با خودداری از اعمال قدرت شخصی، حکومتی ایجاد شود تا در سایه نیروی عظیم آن، نظم و عدالت در تمامی امور تجلی پیدا کند. بر همین اساس و به منظور جلوگیری از تعرض و تجاوز قدرت خودساخته به آزادی های فردی، ضابطه ای به نام قانون پیش بینی می شود. قانون و به طور اخص قانون اساسی تعیین کننده حقوقی است که افراد برای خود حفظ کرده و در اعطای قدرت به دولت آنها را استثناء کرده اند.

یکی از عوامل توسعه حقوق کیفری در عصر حاضر مفاهیم و معیارهای حقوق بشر است. این مفاهیم و معیارها که در اسناد حقوق بشر بین المللی و منطقه ای شناسایی شده و مورد حمایت قرار گرفته اند، به ویژه بر قوانین و مقررات ملی مربوط به آیین دادرسی کیفری تاثیر آشکار داشته اند. بارزترین جنبه چنین تأثیری حق حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی و دفاع متهم از اتهام انتسابی است.

به طور کلی بنای امر قضا باید بر این باشد که بر خوان گسترده عدالت، همه افراد جامعه دوست و دشمن فارغ از هر گونه تبعیض و مفارقتی، باید حق دفاع داشته باشند، وگرنه توقع داوری درست داشتن، انتظاری نابجا است. در دنیای امروزی آنچه باعث شده به آیین دادرسی بسیار پرداخته شود، این است که همواره سعی بر آن شده از حیث شکلی و تشریفات دادرسی، قوانینی وضع گردد که قدرت قاضی و مدعی العموم نتواند به نحوی از انحاء حقوق دفاعی متهم من جمله حق حضور وکیل و دفاع متهم از اتهام انتسابی را مخدوش کند.

دفاع از طبیعی ترین حقوق هر موجودی است. چه آنکه هرذی حیاتی جز به حیات خود نمی اندیشد و سایر امور را فرع بر حفظ حیات می پندارد. آدمی نیز هر چند به اعتبار آنکه درزمره موجودات طبیعی است، خود را صاحب چنین حقی دانسته و لذا بر حفظ و صیانت نفس خویش همواره همت می گمارد.

از این رو هرگونه تعدی به ارزش های شناخته شده اجتماعی به طور طبیعی عکس العمل نهادهای استقرار یافته حاکمیت را به عنوان متولی حفظ ارزش ها جهت اعاده نظم از دست رفته بر

می انگیزند . ایجاد نظم و امنیت در جامعه از طریق وضع قوانین ومقررات متعدد ونیزاعمال مجازات مجرمین یا اتخاذ تدابیر تأمینی و تربیتی در خصوص آنان بر عهده دولت نهاده شده است.

اقدام نخست در تحمیل سزای خلاف هنجارها شناسایی عامل تعدی است.جامعه به اتکای نیروهای خودبه جستجوی عامل تعدی می پردازد ودراین راه برای وصول به هدف خود، حتی افرادی را که بیم اقدام متجاوزانه ازسوی آنان موجود است، شناسایی، دستگیر و احياناً از نعمت گرانبهای آزادی محروم می کند.

با این وجود در دوران معاصر، دولتها فقط به مجازات بزهکاران نمی اندیشند، بلکه اعمال مجازات نیز باید از طریق اقامه دعوا علیه او و رعایت شرایط و تشریفات خاصی، به منظور تأمین و تضمین حقوق متهم صورت پذیرد. به عبارت دیگر برای اجتناب از سوء استفاده های احتمالی و سلطه دولتها از یک طرف و رعایت حقوق متهم از طرف دیگر، اقامه دعوا علیه متهم امری ضروری است. با این همه در بسیاری موارد اطمینان وقاطعیت کافی در شناسایی واقعی عامل تعدی ندارد. به این لحاظ جوامع بشری از قدیم الایام تاکنون در مقابل اقدام خود برای دفع تجاوز، حتی را برای حفظ حیثیت، آزادی، مال و حتی جان فردمظنون مورد بحث، به منظور رد اتهام انتسابی به طور فطری شناخته اند.

به طوری که ملاحظه می شود، در این مورد دو حق فطری یا طبیعی در برابر هم صف آرایی می کنند. اولی حق جامعه در تأمین و برقراری و استقرار امنیت و آسایش و دیگری حق فرد مظنون برای دفع اتهام وحمايت از ارزشهای شخصی است. بررسی تاریخچه تحول حق حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی و دفاع از اتهام انتسابی توسط متهم بیانگر اختلاف عمیق دیدگاههای جوامع بشری در نوع برخورد با این پدیده مهم حیات انسانی است.

در دورانی نسبتاً طولانی بار اثبات بی گناهی بر دوش متهم بوده ویا اصل بر محکومیت او بود.در این دوران، حقوق متهمین به انحاء مختلف تضییع می شده است. در فصل حاضر مفاهیم دفاع، تاریخچه تحول، مبانی یا ریشه های عمیق آن وهمچنین منابع قانونی این حق در نظام های حقوقی وتمدن فعلی، مباحثی است که به طور اجمالی به آن پرداخته می شود.

دفاع متهم از اتهام انتسابی توسط خود یا وکیل منتخب در رد اتهام یا اتهاماتی که به نایق یا به حق، درست یا نادرست به وی نسبت داده شده، یکی از حقوق مقدس انسانی و لازمه حمایت از حق حیات به عنوان فردا جلای حقوق طبیعی انسان ها است ، و با توجه به ویژگی این حقوق می توان گفت ؛ حق دفاع متهم جزء لاینفک ذات و کیان انسانی بوده و با تغییر اوضاع و احوال و شرایط زمانی و مکانی ماهیت خود را از دست نمی دهد. بدین ترتیب برخلاف حقوق موضوعه هیئت حاکمه جامعه نمی تواند مدعی اعطای حق دفاع به افراد شده و یا اختیاری در سلب آن داشته باشد .

بر هیئت حاکمه و سیستم حقوقی کشورها فرض و واجب است که با تدوین مقرراتی جامع ، وسایل و امکانات کافی برای اعمال این حق را در دادرسی کیفری فراهم نموده و به حمایت جدی از آن برخیزند.

از سوی دیگر، اساس حاکمیت دولتها باید ناشی از مشروعیت آنها باشد و تردیدی نیست که مبنای مشروعیت دولتها همان اراده مردمی است که فرمانبرداری از حکومتها را گردن نهاده اند، به همین خاطر از وظایف اولیه دولتها در قبال اتباع خویش، پاسداری از حقوق بنیادین و آزادیهای اساسی آنهاست؛ کما این که در بسیاری از قوانین اساسی و عادی کشورها به این مهم صراحتاً اشاره شده است.

بر این اساس حفظ و رعایت حقوق افراد بشر از برترین نشانه های مشروعیت دولتها محسوب می شود، به طوری که اغماض و تضییع حقوق افراد جامعه از سوی دولتها هیچ توجیهی نخواهد داشت. در عین حال امنیت قضایی نیز که مبین مصونیت جان، ناموس، آزادی و حیثیت و آبرو و اموال افراد است، ایجاب می کند که مقننین به تدوین قوانین حمایتی از حقوق متهم من جمله حق حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی و دفاع متهم از اتهام انتسابی به عنوان فردی از افراد جامعه به طور جدی اهتمام ورزند.

تأمین حق دفاع متهم مستلزم آن است که با شروع تعقیب کیفری با فرض وجود دلیل کافی، فرصت و امکان مناسب دفاع در رد اتهام یا اتهامات انتسابی به وی با شرایط زیر اعطا شود:

اولاً: بتواند شخصاً یا توسط وکیل منتخب از خود دفاع نماید.

ثانیاً: حق متهم بر تماس‌های خصوصی و محرمانه با وکیل و مشاور حقوقی محترم شمرده شود.

ثالثاً: از هر گونه تعرض یا بی‌احترامی به وکیل متهم جلوگیری شود.

اما با نگاهی به تحول و تطور تاریخی حقوق متهم مشاهده می‌شود که در دوران نسبتاً طولانی، متهم از این امکانات دفاعی در اثبات بی‌گناهی خود محروم بوده است. در دوران باستان تا قرون وسطی در اروپا و سایر جوامع، در قوانین موضوعه در عمل و رویه‌ها، پایبندی به حقوق انسانی متهم چندان چشمگیر نبوده، به گونه‌ای که موجب انزجار بشریت از برخی موارد اثبات جرم و رفتار ظالمانه شده بود. در این دوران طولانی شخص متهم از کمترین امکان دفاع برای رد اتهام حتی توسط خود محروم بود.

اصل بر محکومیت متهم که تجاوزی آشکار به حقوق انسان محسوب می‌گردد، یکی از اصول مسلم دوران باستان تا قرون وسطی در اروپا و سایر جوامع بوده است. با توسل به این دیدگاه غیرانسانی شکنجه متهم جهت اخذ اقرار به جرمی که به وی نسبت داده شده و بعضاً مرتکب نشده امری عادی به شمار می‌رفت، هم‌چنین وادار کردن متهم در تسلیم به آزمایش الهی با وجود فقدان دلیل علیه وی جهت احراز بزهکاری یا بی‌گناهی، یکی دیگر از طرق رایج خرافی و غیرانسانی دوران باستان و قرون وسطی محسوب می‌شد. در این دوران طولانی که سابقه آن تا قرن هفدهم میلادی ادامه می‌یابد، اساساً حقوق انسان لگدکوب سلطه و سیطره پادشاهان دیکتاتور زمان بوده است.

با ظهور اسلام و نفوذ قوانین و مقررات اسلامی، تحولی شگرف در زمینه حقوق افراد جامعه به خصوص متهم پدید آمد، و قواعدی از قبیل: قاعده برائت، قاعده حکم به عدالت، قاعده منع عقاب بلا بیان، قاعده تفسیر قوانین جزایی به نفع متهم و ... مورد توجه قرار گرفت. متعاقب آن، از قرن هفدهم میلادی به بعد انقلاب‌های آزادی-خواهانه در اروپا و آمریکا در مقابل دیکتاتوری پادشاهان رخ داد که دستاورد آن احترام به حقوق طبیعی انسان، اعمال دادرسی عادلانه و حمایت از حق دفاع متهم

بود، ولی تحدید و سلب آزادیهای افراد جامعه و تضییع حقوق آنان به موجب تدوین قوانین نامتناسب و غیر عادلانه از سوی هیئت حاکمه کشورهای مختلف جهان همچنان ادامه داشت.

متعاقب انقلاب های آزادی خواهانه در اروپا و آمریکا از قرن هفدهم میلادی به بعد در برابر دیکتاتوری پادشاهان که دستاورد بارز آن احترام به حقوق طبیعی انسان بود، به اعمال دادرسی عادلانه و حمایت از حق دفاع متهم توجه خاصی مبذول شد. سپس اصول حمایت از حقوق طبیعی و جنبه های مختلف حمایت از حقوق دفاعی متهم از قبیل: حق برخورداری از فرض بی گناهی یا برائت، حق تفهیم اتهام، مصونیت از دستگیری و بازداشت خودسرانه، حق انتخاب وکیل، حق مصونیت از خوداتهامی، حق مصونیت از شکنجه در اثنای بازجویی، حق محاکمه به وسیله هیئت منصفه حق مواجهه با شهود و گواهان و غیر قابل نقض بودن حق دفاع در ذیل فصل "حقوق ملت" و یا "اعلامیه های حقوق" در قوانین اساسی کشورها تصریح گردید.

به دنبال آن جامعه جهانی با تفکر گسترش و بسط حقوق و آزادیهای افراد جامعه گامهای مؤثری در این رابطه برداشت و در طول سالیان متمادی، انبوهی از اسناد بین المللی و منطقه ای پیرامون اصول و مفاهیم حقوق بشر و آزادیهای اساسی افراد به تصویب رسید.

در ابتدا این اسناد فقط بدنبال یک توافق عمومی در مورد حقوق و آزادیهای افراد بودند، اما باتلاش و کوششهای روزافزون، جامعه بین المللی پا را از توصیه و سفارش فراتر گذاشت و مبادرت به تصویب اسناد مختلف الزام آور نمود. این در حالی بود که جز شماری اندک از دولتهای آزادمنش که قائل به دموکراسی در اداره امور و رعایت حقوق بشر و احترام به آزادیهای اساسی افراد بودند، سایر دولتها با بی اعتنائی تمام به این گونه اصول و مفاهیم، آشکارا الزامات انسانی و تعهدات بین المللی را زیر پا می گذاشتند و در محاکمات، سلطه خود را بر شهروندان و مقابله با رفتارهای مخاطره آمیزه آنان، گسترش دادند، از این رو تنظیم کنندگان اسناد بین المللی حقوق بشر در حراست و حمایت از حقوق بشری در محاکمات کیفری بذل توجه خاصی نمودند.

آثار مثبت تلاش و کوشش های سازمان ملل متحد و دیگر سازمانها و نهادهای جانبی در راستای ترغیب و تشویق دولتها در الحاق به اسناد بین المللی حقوق بشر و جهانی و الزامی کردن حقوق و آزادیهای افراد بر هیچ کس پوشیده نیست. اکثر دولتها نیز با انگیزه کسب اعتبار و حیثیت بین المللی ناگزیر از مراعات این حقوق و آزادی ها در مواردی که منفعت و ملاحظات سیاسی آنها ایجاب می کرد، شدند. این موضوع باعث شد، در آستانه هزاره سوم میلادی، شاهد تلاشهای گسترده حکومتهای مختلف در جهت تدوین قوانین منطبق با موازین حقوق بشر و نهادینه کردن فرهنگ احترام به حقوق بشر باشیم، زیرا نظام عدالت کیفری که متکی بر اصول و موازین حقوق بشر باشد، علاوه بر این که وجه و ساختار دموکراتیک یک دولت را تأمین می کند، مراعات کرامت ، شرافت ، آبرو و حیثیت شهروندان را نیز که به دولت مشروعیت می بخشد، تضمین می کند.

بدین منظور قانون گذاران کشورهای مختلف در وضع و تدوین قوانین، به ویژه قانون آئین دادرسی کیفری که نسبت به سایر مفاهیم و معیارهای حقوق بشر نقش مرکزیت دارد، اهمیت وافری قائل شدند و از اواخر قرن بیستم به بعد، تأکید بر حمایت از حقوق متهم، جنبه بین المللی و جهانی بخود گرفت و کشورهای دموکراتیک را بر آن داشت که تمهیدات و تضمینات گوناگونی در ارتباط با حقوق و آزادیهای متهم اتخاذ نمایند.

بدون تردید یکی از تضمینات مهم دفاع در دادرسی کیفری، همراه داشتن وکیل در کلیه مراحل دادرسی به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی و در صورت عدم امکان انتخاب و معرفی وکیل ، تعیین وکیل تسخیری برای اوست . حق داشتن وکیل برای متهم به طور اطلاق یکی از اصول پذیرفته شده است .

طبق بند (۳) ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی « هر کس متهم به ارتکاب جرمی شود حق خواهد داشت که در محاکمه حاضر شود و شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد، حق داشتن یک وکیل به او اطلاع داده می شود و در

موردی که مصالح دادگستری اقتضاء نماید، از طرف دادگاه رأساً برای او وکیل تعیین می شود که در صورت عجز او از پرداخت حق الوکاله ، هزینه ای نخواهد داشت».

به موجب اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در همه دادگاه ها طرفین حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد .

در قوانین بسیاری از کشورها حق حضور وکیل به همراه متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی و اعلام این حق به متهم ، پذیرفته شده و قاضی تحقیق مکلف است قبل از شروع به تحقیق و بازجویی ، متهم را از حق داشتن وکیل مطلع نموده و آن را در صورت جلسه قید نماید و در صورتی حق رسیدگی دارد که متهم صریحاً استفاده از این حق را از خود سلب نماید .

شق (دال) بند (۳) ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به حق اطلاع متهم و داشتن وکیل اشاره کرده است. در ایران مقامات تحقیق و تعقیب جرم، در اعلام حق داشتن وکیل به متهم، تکلیف و الزامی ندارند چرا در این خصوص قانونگذار با اغماض برخورد نموده و سخنی به میان نیاورده است فلذا نمی توان توقع اقدامی بیش از آنچه در قانون آمده برای مجریان تصور نمود.

در تبصره ماده ۱۱۲ قانون آئین دادرسی کیفری سال ۱۲۹۰ حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی پذیرفته شده ، اما اختیارات کافی جهت دفاع از حقوق متهم به وکیل اعطا نشده بود . به موجب این تبصره «متهم می تواند یک نفر از وکلای رسمی دادگستری را همراه خود داشته باشد . وکیل متهم بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه بازجویی، می تواند مطالبی را که برای روشن شدن حقیقت، دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند ، به بازپرس تذکر دهد. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می گردد» . در این ماده نقش وکیل در جریان رسیدگی به پرونده کیفری بسیار محدود بود. در حال حاضر ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ع.ا.ک مقرراتی شبیه به تبصره فوق ایجاد نموده است.

قانونگذار ایران حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی را به صورت تشریفاتی پذیرفته و حق

اطلاع از محتویات پرونده و دلایل و مستندات موجود در آن که مقدمه‌ی لازم جهت تدارک دفاع مؤثر می‌باشد را از او سلب نموده است .

وکیل تسخیری در مواقعی که متهم توانایی انتخاب وکیل نداشته باشد و از دادگاه تقاضای تعیین وکیل کند و یا مقنن در بعضی جرایم به لحاظ شدت مجازات و اهمیت آن حضور وکیل را الزامی بداند اعم از این که متهم تقاضا کرده باشد یا نکرده باشد حضور پیدا نماید.

در اسناد بین‌المللی تعیین وکیل تسخیری در صورت عدم توانایی متهم در انتخاب وکیل تحت شرایطی پذیرفته شده است. شق (ج) از بند (۳) ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، تعیین وکیل تسخیری را در صورت عدم توانایی متهم در پرداخت حق الوکاله و در صورتی که عدالت ایجاب کند، پذیرفته است .

طبق شق «د» از بند (۳) ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲، در مواردی که مصالح دادگستری اقتضاء نماید، تعیین وکیل برای متهم رأساً توسط دادگاه صورت می‌گیرد .

در بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^۳ چنانچه متهم از خود دفاع نکند و در زمان تعیین شده قانونی وکیل معرفی نکند، تعیین وکیل جهت مساعدت به متهم به وسیله دولت صورت می‌گیرد. این حق لاینفک و انتقال‌ناپذیر است اعم از این که اجازه تعیین وکیل را داده باشد یا نداده باشد .

در ایران تعیین وکیل تسخیری در مرحلهٔ محاکمه و صدور حکم پذیرفته شده، لیکن در مرحلهٔ تحقیقات مقدماتی، نص خاصی در این رابطه پیش‌بینی نشده و قانون ساکت است.

^۲د. در محاکمه حاضر شود و شخصاً یا بوسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن یک وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضاء نماید از طرف دادگاه رأساً برای او وکیلی تعیین بشود که در صورت عجز او از پرداخت حق الوکاله هزینه‌ای نخواهد داشت.

^۳ه) اگر متهم شخصاً از خود دفاع نکند و یا در زمان تعیین شده قانونی وکیل معرفی نکند این حق لاینفک و انتقال‌ناپذیر اوست که وکیل معین شده به وسیله دولت به وی مساعدت کند اعم از اینکه اجازه تعیین چنین وکیلی را داده باشد یا نداده باشد.

مقررات کیفری ایران در مقایسه با اسناد بین المللی از حیث تضمین های ناظر به حق دفاع متهم در مصادیقی چون دخالت وکیل و تعیین وکیل تسخیری در مرحله تحقیقات مقدماتی ناقص بوده و در قبال دخالت و حضور وکیل در این مرحله سخت گیرانه عمل نموده است.

۳.۱. سوالات تحقیق:

- ۱- باتوجه به اینکه در اسناد بین المللی حق دسترسی وکیل و دفاع متهم ، در مرحله تحقیقات مقدماتی به طور تلویحی به رسمیت شناخته شده ، موضع حقوق ایران در این زمینه چگونه است ؟
- ۲- در پیش نویس لایحه جدید قانون آیین دادرسی کیفری حق دسترسی وکیل و دفاع متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی چگونه مورد پذیرش قرار گرفته است؟

۴.۱. فرضیه های تحقیق:

- ۱- به رغم مطلق بودن حق دسترسی وکیل و دفاع متهم در کلیه مراحل رسیدگی از جمله مرحله تحقیقات مقدماتی در اسناد بین المللی حقوق بشر، در حقوق کیفری ایران این حق مقید به شرایط مبهمی شده است .
- ۲- در پیش نویس قانون جدید آیین دادرسی کیفری حق دسترسی وکیل و دفاع متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی باتوجه به مواد ۵-۱۱۱، ۲۱-۲۱ و ۲۳-۱۲۵ و تعیین ضمانت اجرایی، تعارض موجود با اسناد بین المللی مرتفع گردیده است.

۵.۱. روش انجام تحقیق:

روش انجام تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی است که با مراجعه به منابع حقوقی و مقایسه مقررات جاری حقوق کیفری ایران و رویه قضایی با اسناد بین المللی حقوق بشر در این زمینه صورت می پذیرد.

۶.۱. جنبه جدید بودن و نوآوری:

باتوجه به اصلاحات مکرر قانون آیین دادرسی کیفری و نظر به پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی از سوی ایران علی رغم تعارض قانون آیین دادرسی کیفری

فعلی با مقررات بین المللی با عنایت به این که در پیش نویس لایحه قانون جدید آیین دادرسی کیفری حق دسترسی وکیل و امر دفاع متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی پیش بینی شده و ابهام و بعضاً تعارض موجود با مقررات بین المللی مرتفع گردیده لذا بررسی این موضوع با توجه به پیش نویس مذکور ضروری به نظر می‌رسد.

۷.۱. اهداف تحقیق

در این تحقیق سعی بر آن شده تا ضمن تبیین دقیق حق حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی جهت دفاع از متهم با شناسایی نقایص و خلاء های قانونی موجود راهکارهای مناسب جهت جلوگیری از تضییع حقوق دفاعی متهم ارائه شود.

۸.۱. مفاهیم مقدماتی

۸.۲. تبیین واژگان

به منظور ارائه تعریفی جامع و مانع از حق حضور وکیل و دفاع متهم از اتهام انتسابی در تحقیقات مقدماتی ضمن تبیین معانی لغوی و اصطلاحی عناصر و مفهوم ترکیبی آن ، هریک از عناصر وکیل، دفاع و متهم رابه اختصار بررسی می نمائیم.

وکیل واژه ای عربی است و کسی راگویند که از طرف دیگری به موجب عقد وکالت مأمور انجام امری است.^۴

دفاع نیز از ریشه دفع ودر لغت به معنی دورکردن، پس زدن و برداشتن با زور و قوت آمده است.^۵ در این معنی لسان العرب از قول سیبویه می گوید: «دفع الشرولواً صعباً» یعنی شر را دورنما ولو با انگشت. درمحاورت رد کردن سخن دیگری با قوت استدلال، دفاع گفته می شود. درآیات قرآن

^۴ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۲ ه.ش.

^۵ کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوق ایران، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات مدرس، ۱۳۶۹، ص ۲۶۶

^۶ الشرتونی، سعیدالخوزی، پیشین، ص ۳۳

مجید هرگاه کلمه "دفع" فی نفسه متعدی شده ، در معنی مزبور استعمال گردیده است.^۷ از قبیل: «ادفع بالتی هی احسن السیئه»^۸ یعنی بدی را به طریق نیکو دور کن، «ولولادفع الله الناس لبعضهم ببعض لهدمت صوامع وبيع»^۹ یعنی اگر خداوند اجازه دفاع را به بعضی از مردم در مقابل بعضی دیگر نمی داد، هر آینه صومعه ها و دیگر کنشست ها خراب و ویران می شدند.

با توجه به تتبع به عمل آمده، کلمه دفاع در هر موضعی که استعمال شده از معنای لغوی خود عدول نکرده است. به عنوان مثال دفاع نظامی به کلیه روش هایی اطلاق می شود که در جنگ ها برای رد حملات دشمن مورد استفاده قرار می گیرد ، و دفاع مشروع در حقوق جزای عمومی، حقی است که قانونگذار آن را برای شخص مقرر کرده تا به موجب یک اقدام ضروری و با اعمال قدرت خطری متجاوزانه علیه جان، مال یا ناموس خود یا دیگری را رد نماید.^{۱۰}

دفاع حق طبیعی بشر و کاملاً مجاز، ضروری و از بدیهیات می باشد، لذا سلب آن غیر طبیعی و نامعقول است. وجود این امر طبیعی لازم بوده و از دیدگاههای قانونی و حقوقی، نفس دفاع یک نوع حق مسلم و طبیعی و غیر قابل تفکیک از سایر حقوق انسانی برای اشخاص در هر جامعه شناخته شده است. منشاء این امر همان حقوقی است که هر شخصی در جامعه دارد و با توجه به طبع و خصوصیات خود از حق آزادی و حقوق مدنی و سیاسی برخوردار است؛ فلذا سلب هر یک از حقوق مزبور مغایر و خلاف حقوق فردی ، حقوق فطری و حقوق اجتماعی بوده و در نتیجه مستلزم دفاع خواهد بود.

در قانون آیین دادرسی کیفری ایران تعریفی از " دفاع " نشده است. اما برخی از مؤلفین گفته اند: «هر عملی در قبال اتهام منتسبه به منظور براءت یا تخفیف یا تعلیق و یا هرگونه تغییر مفید در اتهام یا مجازات یا اجرای آن، دفاع نام دارد».^{۱۱}

^۷ علامه ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، قم، ادب الحوزه، ۱۳۶۳، ه.ش. ص ۸۷ قریشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۲، ه.ش، ص ۳۵۰

^۸ سوره موء منون (۲۳) آیه ۹۶

^۹ سوره حج (۲۲) آیه ۴۵

^{۱۰} المنجد فی اللغة و الاعلام، تهران، اسما عیلیان، بی تا، ص ۲۱۸

^{۱۱} مودن زادگان، حسنعلی، پیشین، ص ۱۹

اشکال وارده برتعریف مذکور آن است که اظهارات محکوم علیه رابه منظورتعلیق مجازات یا تخفیف آن در زمره دفاع متهم محسوب داشته ،حال آن که این اظهارات، رد اتهام نیست تابتوان عنوان دفاع متهم را برآن صادق دانست.این گونه اظهارات پس از اثبات اتهام واحراز بزهکاری متهم که عنوان محکوم علیه را کسب کرده، به منظوردرخواست تخفیف دراعمال مجازات ارائه شده ومنطقاً نمی تواند ناظر به اظهارات متهمی که ازفرض بی گناهی برخوردار است، باشد. ازاین روبرخی از حقوقدانان غرب دفاع متهم را به عنوان انکار اتهامات وارده از ناحیه وی معنی نموده اند.^{۱۲}

بعضی از نویسندگان باتوجه به اشکالات مزبور، در تعریف حق دفاع می گویند: حقی که قانونگذار به مدعی علیه داده، تا قبل از صدورحکم پاسخ دعوی را داده و دعوی را با دلیل از خود رد کند، حق دفاع است.^{۱۳}

تعریف مذکور نیز در مورد حق دفاع خوانده در آیین دادرسی مدنی است. بنابراین حق دفاع را می توان، سلطه غیرقابل انفکاک با شخصیت هر فرد جامعه راکه به وسیله نظام حقوقی کشور به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت قرارگرفته و براساس آن شخص می تواند رفتار مجرمانه ای راکه با دلایل کافی از سوی مراجع قضایی به وی منتسب گردیده را رد کرده و با همه امکانات قانونی خود را از قید اتهام برهاند نامید.^{۱۴}

فرهنگ حقوقی فرانسه در مقام تعریف حق دفاع متهم بیان می دارد: «حق دفاع حقی است که به موجب آن هر فرد مورد تعقیب در محاکم می تواند پیش از آن که مورد حکم قرارگیرد از خود دفاع کند».^{۱۵}

¹²David M. Walker.op.cit.p.346

^{۱۳} محمد، راکان صیف اله الدغمی، دعوی التناقض و الدفع فی الشریعه الاسلامیه، چاپ اول، بیروت، دارا الجبل، ۱۹۹۱، ص ۱۵۵، به نقل از حسنعلی مودن زادگان، همان ص، ۲۵.

^{۱۴} مودن زادگان، حسنعلی، پیشین، ص ۱۹

^{۱۵} به نقل از: کاتبی، حسینقلی، حق دفاع، نشریه حقوق مردم، شماره ۳(بهار ۱۳۴۵)ص ۲۷

برخی از مؤلفین بر این تعریف اشکال وارد نموده و معتقدند این تعریف مستلزم دور بوده و تعریف شئی با اجزای خود آن را از نظر منطقی مردود دانسته اند.^{۱۶}

بعضی از نویسندگان نیز در تعریف حق دفاع می گویند: «حق که قانونگذار به مدعی علیه داده، تا قبل از صدور حکم پاسخ دعوی را داده و دعوی را با دلیل از خود رد کند، حق دفاع است».^{۱۷} بدیهی است حمایت از حق دفاع مستلزم تصویب قوانین عادلانه دادرسی است که ضمن احترام عمیق به آزادی بیان متهم در رسیدگی به امر کیفری وسایل و امکانات کافی لازمه دفاع از اتهام توسط خود یا وکیل را فراهم سازد.

بنابر آنچه گفته شد، به نظرمی رسد که معنی اصطلاحی کلمه دفاع در آئین دادرسی اعم از کیفری و مدنی از مفهوم لغوی آن جدا نشده است. بدین ترتیب در تعریف اصطلاحی دفاع در آئین دادرسی کیفری می توان گفت: هرگونه اقدامی از سوی متهم که دلالت بر رد اتهام یا اتهامات انتسابی به وی داشته باشد، دفاع نامیده می شود.

کلمه متهم یک لغت عربی از ریشه "وهم" به معنی خیال، اندیشه، تصور، گمان، ترس، مالاخولیا، تردید، فریب، قوه تخیل ذکر شده و در لسان العرب آمده است: "تصور چیزی در ذهن اعم از این که موجود باشد یا نه، وهم است."^{۱۸} و یا متهم کسی است که فاعل جرم تلقی شده، ولی هنوز انتساب جرم به وی ثابت نگردیده و در مقابل مجرم استعمال شده است.^{۱۹}

در زبان فارسی متهم به معنی بدنام شده و تهمت زده شده، کسی که مورد تهمت قرار گرفته باشد، به بدی شناخته شده، کسی که به او نسبتی داده شده آمده است.^{۲۰}

در اصطلاح حقوقی متهم کسی است که فاعل جرم تلقی شده، ولی هنوز انتساب جرم به وی ثابت نگردیده، در مقابل مجرم که انتساب جرم به وی ثابت گردیده، استعمال شده است.

^{۱۶} خوانساری، محمد، دوره مختصر منطق صوری، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰، ص ۹۷

^{۱۷} محمدراکان صیف اله الدغمی، دعوی التناقض والدفع فی الشریعه الاسلامیه چاپ اول، بیروت، دارا لجبل، ۱۹۹۱م، ص ۱۵۵

^{۱۸} مؤذن زادگان، حسنعلی، پیشین، ص ۲۰

^{۱۹} جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۲، ص ۶۱۴

^{۲۰} طهرانی (کاتوزیان)، محمدعلی، فرهنگ کاتوزیان، چاپ دوم، تهران، انتشارات یلدا، چاپ دوم، ۱۳۷۳، ص ۶۷۳

عده ای از حقوقدانان مصری می گویند: " هر کس اعم از مباشر یا شریک که از سوی دادستان مظنون به ارتکاب فعلی است که در قانون جزا جرم شمرده شده، متهم نام دارد".^{۲۱}

ماده ۲ قانون اصول محاکمات جزایی سوریه در تعریف متهم می گوید: "مدعی علیه کسی است که دعوی عمومی علیه او اقامه شود. در صورتی که متهم به ارتکاب جنحه باشد ظنین و چنانچه متهم به ارتکاب جنایت باشد متهم نامیده می شود".^{۲۲}

در حقوق انگلو امریکن، متهم به فردی گفته می شود که تحت تعقیب کیفری قرار گرفته است. در حقوق ایتالیا شخصی که بر حسب گزارش پلیس یا شکایت اشخاص حقیقی یا حقوقی جامعه نزد مقامات قضایی مظنون به ارتکاب جرم است، متهم نامیده شده است"^{۲۳}

ماده ۸۴ مقررات مصوب کنفرانس سازمان ملل متحد در تعریف متهم اعلام می دارد: «کسانی که به وسیله پلیس و یا سایر مأموران انتظامی بازداشت می شوند، تا وقتی که محاکمه نشده اند و حکم قطعی در مورد آنها صادر نشده است متهم نامیده می شوند».

در نظام دادرسی اسلامی کلمه متهم مترادف با مدعی علیه ذکر شده و آنگاه ضمن تعریف مدعی، مدعی علیه در مقابل آن قرار داده شده است. مدعی کسی است که قول او خلاف اصل باشد و یا اگر دعوی را تعقیب نکند، مخاصمه خاتمه می یابد و مدعی علیه در برابر این مفاهیم قرارداد^{۲۴}.

برخی از فقها معتقدند که شارع مقدس اصطلاح خاصی برای مدعی و مدعی علیه وضع نکرده و برای تبیین آنها سزاوار است که به عرف مراجعه کنیم.^{۲۵} درق. آ.د.د.ع. ا.ک. همانند قانون آیین دادرسی کیفری سابق، از "متهم" ارائه نشده است.

حتی در برخی مواد، قانونگذار متهم را مترادف با مجرم قلمداد نموده است. به عنوان مثال مقنن در تعریف آیین دادرسی کیفری در ماده " ۱ " تصریح می کند: «آیین دادرسی کیفری مجموعه اصول و

^{۲۱} محمدجعفر، جعفری لنگرودی، پیشین ص ۶۱۴.

^{۲۲} عوض، محمد، قانون الاجراءات الجنائیه، ج ۱، اسکندریه، دارالمطبوعات الجامعیه، ۱۹۹۰، ص ۵۵.

^{۲۳} مؤذن زادگان، حسنعلی، پیشین، ص ۲۱

^{۲۴} موسوی اردبیلی، عبد الکریم، فقه القضاء، چاپ اول، قم، کتا بخانه، امیرالمومنین، ۱۴۰۸. ه. ق، ص ۳۶۹

^{۲۵} نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۴۰، چاپ سوم، تهران، دارا الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲. ه. ش.

مقرراتی است که برای کشف و تحقیق جرایم و تعقیب مجرمان و نحوه رسیدگی و صدور رای و تجدیدنظر و اجرای احکام و تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی وضع شده است». همین طور قانونگذار در ماده ۳ قانون مذکور می گوید: «تعقیب متهم و مجرم از جهت جنبه الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی...» به علاوه تبصره ۲ ماده ۱۳۹ قانون مزبور متهم و محکوم علیه مترادف یکدیگر قرار داده، به موجب این ماده «هرگاه متهم یا محکوم علیه در مواعد مقرر حاضر شده...» این در حالی است که مقنن در مواد دیگر قانون مرقوم، متهم را در معنای صحیح خود به کار برده است.^{۲۶}

شاید پذیرش استدلال مسامحه مقنن در ترادف متهم و مجرم درق. آ. د.ک سابق قابل دفاع باشد، اما این استدلال، در موردق. آ.د. د.ع. ا.ک. قابل پذیرش نیست، زیرا با مقایسه مواد ۳ و ۶ قانون مزبور و مواد ۳ و ۸ قانون سابق الصدور ملاحظه می شود، قانونگذار مبادرت به تغییر حرف ربط "یا" به "و" در ماده ۳ و "مقصر" به "محکوم علیه" در ماده ۶ قانون مذکور کرده که این تغییرات در ظاهر، بیانگر دقت و آگاهی مقنن است.

^{۲۶} ماده ۱۲ ق. آ. د. د.ع. ا.ک: "هرگاه دادگاه متهم را مجرم تشخیص دهد...."

ماده ۲۱ ق. آ. د. د.ع. ا.ک.: بلافاصله پس از وقوع جرم علایم و آثار واضح یا اسباب دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب و دلایل یاد شده به متهم محرز شود."

بند ۶ ماد. ۲۱ ق. آ. د. د.ع. ا.ک.: وقتی که متهم ولگرد باشد."

ماده ۳۲ ق. آ. د. د.ع. ا.ک.: در موارد زیر هرگاه قرائن و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید صدور قرار بازداشت موقت جایز است.

ماده ۳۳ ق. آ. د. د.ع. ا.ک.: قرار بازداشت توسط قاضی دادگاه صادر و به تأیید رئیس حوزه قضایی محل یا معاون وی می رسد و قابل تجدیدنظر خواهی در دادگاه تجدیدنظر استان ظرف مدت ده روز می باشد. رسیدگی دادگاه تجدیدنظر خارج از نوبت خواهد بود. در هر صورت ظرف مدت یک ماه باید وضعیت متهم روشن شود و چنانچه قاضی مربوطه ادامه بازداشت موقت متهم را لازم بداند به ترتیب یاد شده. اقدام خواهد نمود.

ماد. ۳۵ ق. آ. د. د.ع. ا.ک: "در موارد زیر با رعایت قیود ماده ۳۲ این قانون و تبصره های آن هرگاه قرائن و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید صدور قرار بازداشت موقت الزامی است.."

ماده ۵۴ ق. آ. د. د.ع. ا.ک: متهم در دادگاهی محاکمه می شود که جرم در حوزه آن واقع شده است و اگر شخصی مرتکب چند جرم در جاهای مختلف شود. . .

ماده ۵۵ ق. آ. د. د.ع. ا.ک.: هرکس متهم به ارتکاب جرایم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه عمومی و بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه انقلاب یا نظامی باشد متهم ابتدا در دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به مهمترین اتهام را دارد محاکمه می شود...

ماده ۹۵ ق. آ. د. د.ع. ا.ک.: هر گاه قاضی تحقیق در جریان تحقیقات متوجه شود که متهم هنگام ارتکاب جرم مجنون بوده است...

هم چنین ذکر نام مجرم مترادف با متهم در ماده ۳ قانون فوق صحیح نیست، زیرا با توجه به مراحل مختلف دادرسی جزایی در مرحله تحقیقات مقدماتی به فرد مورد تعقیب "متهم" اطلاق می شود مگر این که مقصود قانونگذار را از به کار بردن "مجرم" تعقیب او پس از صدور حکم محکومیت و جهت اجرای مجازات بدانیم، که به نظر می رسد، تعقیب محکوم علیه جهت اجرای مجازات در مرحله ی اجرای حکم صورت می گیرد و ذکر آن در مرحله تعقیب امر کیفری و قبل از ثبوت جرم، غیر قابل پذیرش می باشد.

علاوه بر این که قانون اصول محاکمات جزایی در حدود یک قرن پیش تدوین شده و اصل بر این است که قانونگذار فعلی با علم و آگاهی بر تاثیر قوانین بر اجتماع و اشراف بر نواقص و کاستی های قانون سابق و مقتضیات جامعه فعلی و داشته های علمی و با فرض این که قانون جدید هم بهتر می تواند منافع فرد و جامعه را تأمین کند و هم در جهت کشف حقیقت که پایه و مبنای تمیز حق از باطل قرار دارد مؤثر است، مبادرت به تدوین قانون نموده که خود دلیلی بر عدم تسامح قانونگذار می باشد، در صورتی که در ق.آ.د.د.ع. ا.ک. متأسفانه چنین مواردی به قدر کافی مورد امعان نظر نگرفته است.

مقنن در ق.آ.د.د.ع. ا.ک. از همان ابتدا فرد مورد تعقیب را مجرم پنداشته و اصل برائت را فراموش کرده اند. با توجه به اصل برائت و فرض بی گناهی افراد، تا زمانی که فرد مورد تعقیب، محکومیت قطعی کیفری نیابد، نمی توان او را مجرم دانست، زیرا تا این مرحله او تنها مظنون و متهم به ارتکاب جرم است و بعد از صدور حکم قطعی محکومیت کیفری است که اطلاق عنوان محکوم علیه به او جایز می شود. لذا به نظر می رسد، حتی در این مقام نیز نباید او را مجرم و یا تبهکار دانست، زیرا حکم کیفری دلیل قاطعی بر مجرمیت افراد نمی تواند باشد و شاید در اثر اشتباه بین قضایی فردی به نا حق به محکومیت کیفری محکوم شده باشد.^{۲۷}

به موجب اصل سی و نهم ق.ا.ج.ا. «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است» علاوه بر این در

^{۲۷} آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد ۴، چاپ اول. قم، انتشارات اشراق، ۱۳۷۹، صص ۱۳۱-۱۳۲.

بند ۲ ماده ۱۴ م. ب. ح. م. س.^{۲۸} و در بند ۱ ماده ۱۱ ا. ج. ح. ب.^{۲۹} اصل بی گناهی متهم مورد تأکید قرار گرفته است.

به نظری رسد برای تعریف جامع متهم، نقش دلایل یا قراین کافی را در ایجاد اتهام و یا عدم آن نباید از نظر دور داشت. زیرا از حیث شروع تعقیب، تا زمانیکه دلایل کافی مبنی بر تحقق عنصر مادی جرم وجود نداشته و دخالت مادی و معنوی فرد در آن امکان پذیر نباشد، نمی توان وی را به عنوان متهم اعم از مباشر، شریک و یا معاون در ارتکاب آن جرم تحت تعقیب کیفری قرار داد.

مؤید این نظر ماده ۱۲۴ ق. آ. د. ع. ا. ک است که اشعار می دارد: «قاضی نباید کسی را احضار یا جلب کند، مگر اینکه دلایل کافی برای احضار یا جلب موجود باشد». و این بدان معنی است که صرف شکایت شاکی مجوز احضار یا جلب متهم نیست و برای اعمال این امور وجود دلایل کافی شرط اصلی است. بدین ترتیب در تعریف جامع متهم می توان گفت: هر فردی اعم از مباشر، شریک و معاون که بر اساس دلایل یا قراین کافی نزد مقامات قضائی ارتکاب یک یا چند جرم به وی نسبت داده شده، متهم نامیده می شود».^{۳۰}

۹.۱. مبانی حق حضور وکیل و دفاع

کلمه مبانی جمع مبنا و در لغت به معنی بنیان و اساس چیزی را گویند.^{۳۱} در اصطلاح حقوقی، اصولی که قواعد و مقررات حقوقی مشروعیت خود را از آنها کسب می نمایند، مبانی حقوق نامیده می شوند.^{۳۲}

مطالعه و بررسی مبانی احکام و مقررات حقوقی موجب شناخت عمیق آن احکام بوده و ارزش آن

^{۲۸} بند ۲ ماده ۱۴ م. ب. ح. م. س.: هر کس به اتهام جرمی متهم شده باشد حق دارد بی گناه فرض شود تا این که مقصر بودن او بر طبق قانون محرز بشود.

^{۲۹} بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هر کس که به بزه کاری متهم شد. باشد بی گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد.

^{۳۰} مؤذن زادگان، حسنعلی، پیشین، ص ۲۳

^{۳۱} معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ دهم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵، ذیل کلمه مبانی

^{۳۲} دفتر همکاری حوزه دانشگاه، درآمدی بر حقوق اسلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت ۱۳۶۸، ش. ص ۱۶۹

ها را بر محقق مسجل می نماید. در بحث مبانی حق حضور وکیل و دفاع، دو موضوع صیانت از حقوق و آزادی های فردی و اجرای عدالت مورد مطالعه قرار می گیرد.

۱.۹.۱. صیانت از حقوق و آزادی های فردی

انسان به عنوان موجودی دارای کرامت و حیثیت ذاتی، قطع نظر از موضوع اختلاف در نژاد، رنگ، زبان، فرهنگ و عقاید خاص از حقوق و امتیازاتی برخوردار است. حقوق مزبور که جزء لاینفک ذات انسانی بوده و ناظر به شخصیت اوست، به حقوق و آزادی های فردی یا حقوق مدنی^{۳۳} یا آزادی های مدنی^{۳۴} موسوم است.^{۳۵}

حق حیات، حق آزادی انتخاب مسکن، حق آزادی بیان و عقیده، آزادی قلم و مطبوعات حق مصونیت مسکن، مکاتبات، مخابرات و اسرار شخصی در زمره حقوق و آزادی های فردی است. حقوق و آزادی های فردی در طی قرون متمادی لگدکوب سلطه و سیطره دیکتاتوران و جباران تاریخ بوده است. در کشورهای اروپائی در دوران قرون وسطی و حتی بعد از آن تا شروع انقلاب فرانسه، پادشاه حاکم مطلق و فعال مایشاء بود.

قرآن کریم در ۱۴۰۰ سال و اندی قبل با بیان صریح «لقد کرما بنی آدم»^{۳۶} ذات انسانی را قابل احترام دانسته و قتل یک انسان بیگناه را به منزله مرگ حیات تمام انسانها اعلام کرده است: «من قتل نفسا بغير نفسی او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعا...»^{۳۷}

پیامبر گرامی اسلام به منظور طرد هرگونه تبعیض ناشی از اختلاف نژاد، رنگ و ماندن آن در خطبه معروف حجة الوداع فرمود: «لا فضل لعربی علی عجمی ولا لعجمی علی عربی، ولا بیض علی اسود ولا اسود علی ابیض الا بالتقوی»^{۳۸} یعنی هیچ برتری عرب بر غیر عرب ندارد و نه غیر عرب بر عرب، نه

³³ personal rights

³⁴ Civil rights

³⁵ - Henry compbell .op.cit.688

^{۳۶} سوره اسرار (۱۷) آیه ۷۰

^{۳۷} - سوره مائده (۵) آیه ۳۲

^{۳۸} محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج. ۱۰، چاپ اول، قم انتشارات کتابخانه نه - اعلام اسامی ۱۴۰۵ ه. ق. ص. ۶۲۸.